

مقایسه نظریه ذهن در نوازندگان حرفه‌ای سازهای کوبه‌ای سنتی، زهی سنتی و همتایان

عادی

۱. حسن بافنده قراملکی، ۲. سارا شرقی لوان*، ۳. رحیم یوسفی

۱. استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی، آذربایجان، ۲. کارشناس ارشد علوم شناختی، دانشگاه شهید مدنی، آذربایجان، ۳.

دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی، آذربایجان

(تاریخ وصول: ۹۸/۰۹/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۰۸)

Comparing the Theory of Mind in Professional Traditional Percussion Musicians, Professional Traditional String Musicians and Normal Counterparts

1. Hassan Bafandeh Gharamaleki, 2. Sara Sharghi Lavan*, 3. Rahim Yousefi

1. Assistant Professor of Department of Psychology, Shahid Madani University, Azerbaijan, 2. M.A in Cognition Science, Shahid Madani University, Azerbaijan, 3. Associate professor of Department of Psychology, Shahid Madani University, Azerbaijan

(Received: Dec. 15, 2019 - Accepted: Feb. 26, 2021)

Abstract

چکیده

Objective: Music is influential in all aspect of human existence and there is a great deal of research into the influence of music on the body and the psyche, musicians can also influence people as creators of music and a part of culture of society. This study preformed aimed to compare the theory of mind in traditional percussions player with traditional string musical instruments players and normal counterparts. **Method:** This study is a causal-comparative study in which a sample of 90 people consisting of 30 traditional percussion players, 30 string musical instrument players and 30 normal counterparts were selected. The musicians were selected through available sampling from music teachers and their counterparts were selected through purposeful sampling. The instruments used in this study were Baron-Cohen's Theory of Mind questionnaire. The data were analyzed by ANOVA. **Result:** Analyzes show that there was a significant difference between traditional percussion players, traditional string musical instruments players and normal counterparts in theory of mind as the results show that amount of TOM in traditional string musical instruments players is more than normal counterparts and traditional percussion players.

مقدمه: موسیقی در تمام ابعاد وجودی انسان تأثیرگذار است و تحقیقات زیادی از تأثیر موسیقی بر جسم و روان دلالت دارند، نوازندگان نیز به‌عنوان خالقان موسیقی و قشری فرهیخته از جامعه می‌توانند بر آحاد مردم تأثیرگذار باشند. پژوهش حاضر با هدف مقایسه‌ی نظریه ذهن نوازندگان حرفه‌ای سازهای کوبه‌ای سنتی و نوازندگان حرفه‌ای سازهای زهی سنتی و همتایان عادی است. روش: این مطالعه از نوع علی - مقایسه‌ای است که در آن نمونه آماری شامل ۹۰ نفر متشکل از ۳۰ نفر نوازنده‌ی حرفه‌ای سازهای کوبه‌ای سنتی، ۳۰ نفر نوازنده‌ی حرفه‌ای سازهای زهی سنتی و ۳۰ نفر همتای عادی انتخاب شدند که انتخاب نمونه در نوازندگان از بین اساتید موسیقی و به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس و انتخاب همتایان عادی به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند انجام شد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش نظریه ذهن بارون-کوهن بود که داده‌های حاصل از آن با استفاده از SPSS-22 و از طریق تحلیل واریانس یک‌راهه (ANOVA) تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها: تجزیه و تحلیل‌ها نشان داد که بین نوازندگان حرفه‌ای سازهای کوبه‌ای سنتی، نوازندگان حرفه‌ای سازهای زهی سنتی و همتایان عادی در نظریه ذهن تفاوت معناداری وجود دارد. به‌طوری‌که نظریه ذهن نوازندگان حرفه‌ای سازهای زهی سنتی بیشتر از نوازندگان حرفه‌ای سازهای کوبه‌ای سنتی و همتایان عادی است.

Keywords: traditional percussion players, traditional string musical instruments players, Theory of Mind.

واژگان کلیدی: نوازندگان حرفه‌ای سازهای کوبه‌ای سنتی، نوازندگان حرفه‌ای سازهای زهی سنتی، نظریه ذهن.

*Corresponding Author: Sara Sharghi Lavan

*نویسنده مسئول: سارا شرقی لوان

Email: Sara.sharqi@yahoo.com

مقدمه

به عهده سازهای کوبه‌ای است، در تحریک بسیاری از قوای حسی و حرکتی و کاهش و افزایش انرژی اشخاص استفاده می‌شود. کار اصلی ریتم، تحریک و تهییج احساسات است که انرژی روانی را تولید می‌کند و انرژی این تحریک با کمک ملودی به جریان می‌افتد. ملودی در ایجاد نوع احساس و ریتم در شدت و سرعت و یا سستی و رخوت آن نقش مؤثری دارد. ریتم و ملودی از هم جدا نیستند. ریتم، ضربان و نظم هر آهنگ و ملودی، محتوا و خود آهنگ است که از ترکیب اصوات به وجود می‌آید؛ بنابراین، از مهم‌ترین ارکان موسیقی برای بیان هیجان‌ات، دو عامل ملودی و به‌ویژه ریتم است (کرومهانسل^۵، ۲۰۰۰: ۱۶۰).

از سویی دیگر، بین موسیقی سنتی ایران و موسیقی غربی تفاوت‌هایی وجود دارد که ناشی از دو فرهنگ کاملاً متفاوت است. موسیقی غربی، هم‌تا و همپای فرهنگی که به آن تعلق دارد، یک موسیقی به‌شدت عقلی، منطقی و برون‌گرا است در حالی که موسیقی ایرانی دقیقاً مغایر چنین شاکله‌هایی شکل می‌گیرد. علاوه بر این، موسیقی غربی بر اساس «گروه نوازی» افاده مراسم می‌کند، اما موسیقی ایرانی بر اساس ساختار «تک‌نوازی» شکل گرفته است (زاهدی، ۱۳۸۲: ۱۷۰). تفاوت‌هایی از این قبیل را احتمالاً می‌توان در نوازندگان سازهای مختلف ایرانی هم مشاهده کرد که احتمالاً به نوبه خود می‌تواند حتی در ذهنیت، شناخت و درک نظریه

هنر مجموعه‌ای از آثار یا فرایندهای ساخته شده توسط انسان است که در جهت اثرگذاری بر عواطف، احساسات و هوش انسانی یا به‌منظور انتقال یک معنا یا مفهوم خلق می‌شوند. در طی زمان و با ایجاد انواع مختلف هنر، این حوزه را به هفت بخش تقسیم کرده‌اند که موسیقی یکی از آن‌ها است. موسیقی یک جریان پیوسته از وقایع شنیداری گذرا است که مردم (آن را) به شیوه‌ای عاطفی درک کرده و به آن پاسخ می‌دهند (میکوتا، میسن، آلتورفر، استریک و کونینگ^۱، ۲۰۱۴: ۱۰۲). موسیقی یا موزیک که در فارسی به آن خُنیا هم گفته می‌شد، یکی از فعالیت‌های بشری است که بُن‌مایه تشکیل‌دهنده آن، صدا و سکوت است. عناصر اصلی موسیقی شامل زیر و بمی^۲ (نواک) (تعیین‌کننده ملودی و هارمونی^۳) و ریتم^۴ است (خالقی، ۱۳۹۴: ۱۲).

از یک‌سو، هر ملودی که غالباً توسط سازهای زهی (متشکل از سیم‌ها و زه‌صداها) ایجاد می‌شود، برحسب ترکیب اصوات و فواصل موجود در آن احساسات خاصی را به شنونده منتقل می‌سازد. برخی ملودی‌ها غمگین و حزین، برخی ملایم و آرامش‌بخش، تعدادی هیجانی و بی‌قرار و بعضی شاد و فرح‌بخش هستند که این احساسات بستگی به فواصل فیزیکی و ترکیب اصوات دارد. از فعالیت‌های ریتمیک که عمده بار القای هیجان و حس آن

1. Mikutta, Maissen, Altorfer, Strik & König
2. Pitch
3. Harmony
4. Rhythm

ذهن این افراد متبلور شود.

نظریه ذهن، مؤلفه‌ای در حوزه شناخت اجتماعی است و به ظرفیت انسان برای «ذهن‌خوانی» اشاره می‌کند که برای استنباط و ملاحظه تفکر، امیال و احساسات، همچنین رفتارهای هدف مردم دیگر به کار می‌رود (اتل و اسلوتر، ۲۰۱۹: ۸۷)؛ به عبارت دیگر، نظریه ذهن توانایی نسبت دادن حالت‌های ذهنی، یعنی نیت، احساسات، خواسته‌ها و باورها به خود و دیگران و درک این است که حالات ذهنی دیگران می‌تواند متفاوت از حالات ذهنی خود فرد باشد (خانجانی و هداوندخانی، ۱۳۸۸، ۸۹)؛ بنابراین، بسیاری از ابعاد گوناگون کنش‌ها و رفتارهای انسان، ثمره این حالات ذهنی است.

در بررسی پژوهش‌های انجام گرفته تاکنون، لانگندوفر^۲ (۲۰۰۸: ۶۱۸) بیان کرده بود نوازندگان سازهای زهی در طول روز کاری با همکاران بیشتری نسبت به سایر نوازندگان ارتباط برقرار می‌کنند. در مقابل این، نوازندگان سازهای زهی فرصت‌های کمی برای ارتباطات غیر شغلی در طی تمرینات در مقایسه با نوازندگان بادی داشتند. از آنجایی که نظریه ذهن توانایی استنباط حالات ذهنی (باور، میل، قصد و...) خود و دیگران است، این توانایی در برقراری روابط اجتماعی یک عنصر ضروری است و زیربنای تفسیر فعالیت‌های اجتماعی انسان است؛ از این رو، به دلیل آنکه روابط اجتماعی نوازندگان سازهای زهی بیشتر از سایر نوازندگان است، لذا می‌توان گفت که روابط

اجتماعی بیشتر مستلزم بیشتر بودن نظریه ذهن آن‌ها است؛ زیرا آن‌ها بیشتر می‌توانند دنیا را از دریچه‌ی چشم دیگران ببینند و توانایی همدلی بیشتری داشته باشند. با توجه به اینکه دودسته از نوازندگان سازهای کوبه‌ای و زهی سستی در برخوردهای روزمره با یکدیگر و با هم‌تایان عادی‌شان متفاوت است، به نظر می‌رسد نظریه ذهن می‌تواند به‌عنوان همبسته‌ای برای انتخاب یک ساز و نوازندگی در یک حوزه‌ی مخصوص از موسیقی مؤثر باشد. از آنجایی که موسیقی در تمام ابعاد وجودی زندگی انسان تأثیرگذار است و تحقیقات زیادی از تأثیر موسیقی بر جسم و روان دلالت دارند، نوازندگان نیز به‌عنوان خالقان موسیقی و قشری فرهیخته از جامعه می‌توانند بر آحاد مردم تأثیر بگذارند. لذا مطالعه بر روی ابعاد مختلف روانی و شناختی آن‌ها می‌تواند مفید باشد. بررسی پیشینه پژوهش نشانگر آن است که در مورد نوازندگان تحقیقات مختلفی انجام گرفته است. برای مثال، رز، بارتلی و هیتون^۳ (۲۰۱۹: ۱) یادگیری رسمی - غیررسمی موسیقی، جنسیت و شخصیت نوازندگان؛ مدینا و بارازا^۴ (۲۰۱۹: ۱) کارایی شبکه‌های توجهی نوازندگان؛ هسو، چنگ و چیو^۵ (۲۰۱۷: ۱) تحلیل امواج بتای سیگنال‌های الکتروانسفالوگرافی نوازندگان جوان و غیر نوازندگان در مقیاس اصلی تکالیف حافظه کاری؛ کافی، ماگیلور و زاتورر^۶ (۲۰۱۷: ۴۹)

3. Rose, Bartoli & Heaton

4. Medina & Barraza

5. Hsu, Cheng & Chiu

6. Coffey, Mogilever & Zatorre

1. Etel & Slaughter

2. Langendörfer

حسن بافنده قراملکی و همکاران: مقایسه نظریه ذهن در نوازندگان حرفه‌ای سازهای کوبه‌ای سنتی، زهی سنتی و همتایان عادی

انتخاب شد. همچنین ۳۰ نفر از مردم عادی که از لحاظ جنسیت، سن، تأهل و میزان تحصیلات با گروه نوازندگان همتا شده بودند، به روش نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان گروه همتا انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های مربوطه به‌صورت انفرادی و با رعایت اصول اخلاقی جمع‌آوری و به کمک تحلیل واریانس یک‌راهه (ANOVA) و از طریق نرم‌افزار SPSS نسخه‌ی ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

آزمون ذهن‌خوانی از طریق چشم‌ها (بارون کوهن و همکاران، ۲۰۰۱، ۳): این آزمون یک

آزمون عصب روان‌شناختی مربوط به ذهن‌خوانی است که توسط بارون کوهن و همکاران در سال ۲۰۰۱ ساخته شده است. این آزمون تصاویری از چشم بازیگران را در ۳۶ حالت گوناگون در بر می‌گیرد. برای هر تصویر، چهار کلمه به‌عنوان گزینه‌هایی برای توصیف حالت‌های ذهنی که بار هیجانی مشابهی دارند، ارائه می‌شود. شرکت‌کننده، باید صرفاً از طریق اطلاعات دیداری موجود در تصویر، گزینه‌ای را بهترین توصیف از حالت چشم‌ها ارائه می‌دهد، از بین چهار گزینه، انتخاب کند. حداکثر امتیاز قابل اکتساب برای انتخاب کلمه درست در این آزمون ۳۶ و کمترین آن صفر است. از این آزمون عصب-روان‌شناختی در بیشتر مطالعات برای ارزیابی نظریه ذهن افراد سالم و بیمار استفاده شده است (وانگ، وانگ، چن، زو و وانگ، ۲۰۰۸: ۲). نجاتی، ذبیح زاده، ملکی و محسنی (۱۳۹۰) به نقل از ایران‌پناه، (۱۳۹۵: ۷۹) در مطالعه‌ای ضریب پایایی بازآزمایی آن را در

ادراک گفتار در نوپز در نوازندگان؛ مدنی فرد، مظاهری و جنت پور (۱۳۹۷: ۶۰) کارکردهای عصب‌شناختی اجرایی در نوازندگان و غیر نوازندگان؛ خدابخشی و نوری فرد (۱۳۹۳: ۳۵۶) ویژگی‌های شخصیت، منبع کنترل و خلاقیت نوازندگان موسیقی سنتی، موسیقی پاپ و افراد غیر نوازنده و نیز، فتاح (۱۳۸۸: ۶۷۵) سنخ‌های شخصیتی در نوازندگان موسیقی را مورد مطالعه قرار داده است اما تا آنجا که محقق بررسی کرده است، نظریه ذهن نوازندگان سازهای کوبه‌ای سنتی و نوازندگان سازهای زهی سنتی مورد بررسی قرار نگرفته است؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی نظریه ذهن در نوازندگان حرفه‌ای سازهای کوبه‌ای سنتی، نوازندگان حرفه‌ای سازهای زهی سنتی و همتایان عادی انجام گرفته است و می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهد که آیا بین نظریه ذهن نوازندگان حرفه‌ای سازهای کوبه‌ای سنتی و نوازندگان حرفه‌ای سازهای زهی سنتی و همتایان عادی تفاوتی وجود دارد؟

روش

پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری این مطالعه شامل کلیه نوازندگان حرفه‌ای (اساتید) سازهای کوبه‌ای و زهی سنتی مشهد است. حجم جامعه آماری نوازندگان حرفه‌ای سازهای کوبه‌ای و زهی، هرکدام، حدود ۳۲ نفر بود که طبق جدول مورگان (حسن‌زاده، رمضان، ۱۳۹۵: ۱۳۳) نمونه‌ای با حجم ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس

یافته‌ها نمونه‌ای متشکل از ۳۰ دانشجو و در مدت زمان دو هفته ۰/۶۱ گزارش نمودند. در پژوهش حاضر نیز پایایی ابزار پژوهش ۰/۶۵ به دست آمد.

دامنه سنی آزمودنی‌ها بین ۳۰ تا ۶۰ سال و دامنه تحصیلات آن‌ها از دیپلم تا دکترا بود.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیر نظریه ذهن در نوازندگان حرفه‌ای سازهای کوبه‌ای، نوازندگان حرفه‌ای زهی سنتی و همتایان

عادی

گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
کوبه‌ای	۳۰	۱۸/۲۰	۳/۹۶۸	۶	۲۵
زهی	۳۰	۲۱/۶۰	۳/۲۶۵	۱۷	۳۲
همتا	۳۰	۱۸/۸۳	۴/۰۰۹	۱۱	۲۶
جمع	۳۰	۱۹/۴۵	۴/۰۰۶	۶	۳۲

میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه نمرات نظریه ذهنی در این جدول ارائه شده است. بیشترین میانگین مربوط به گروه زهی (۲۱/۶۰) است و پراکندگی نمرات در گروه همتا بیش از سایر گروه‌ها است. کمترین نمره، گروه کوبه‌ای و بیشترین نمره را گروه زهی به دست آورده‌اند. قبل از استفاده از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس یک‌راهه، جهت رعایت فرض‌های آن از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد و شرط همگنی ماتریس‌های واریانس/کوواریانس رعایت شد. این آزمون برای هیچ‌کدام از متغیرها معنادار نبود، در نتیجه استفاده از آزمون‌های پارامتریک بلامانع است. برای بررسی تفاوت در نظریه ذهن، بین سه گروه مورد مطالعه، یعنی نوازندگان حرفه‌ای سازهای کوبه‌ای سنتی، نوازندگان حرفه‌ای زهی سنتی و همتایان عادی، از تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شده که نتایج آن در جدول ۲ می‌آید:

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس متغیر نظریه ذهن در سه گروه نوازندگان کوبه‌ای، نوازندگان زهی و همتایان عادی

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	درجه معنی‌داری
۱۹۶/۱۵۶	۲	۹۸/۰۷۸	۶/۹۲۵	۰/۰۰۲**
۱۲۳۲/۱۶۷	۸۷	۱۴/۱۶۳		
۱۴۲۸/۳۲۲	۸۹			

حسن بافنده قراملکی و همکاران: مقایسه نظریه ذهن در نوازندگان حرفه‌ای سازهای کوبه‌ای سنتی، زهی سنتی و همتایان عادی

مشخص شود این تفاوت بین کدام گروه‌ها است، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر آورده شده است.

با توجه به نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه ($F=6/92$ و $df=3$ و $p<0/01$) می‌توان گفت که بین نظریه ذهن در بین سه گروه مورد مطالعه تفاوت معنی‌دار وجود دارد. حال برای این‌که

جدول ۳. نتایج تحلیل آزمون توکی بین سه گروه نوازندگان کوبه‌ای، نوازندگان زهی و همتایان عادی

گروه (I) گروه (J)	میانگین تفاوت‌ها	خطای استاندارد	درجه معنی‌داری
کوبه‌ای زهی	-۳/۴۰۰	۰/۹۷۱	۰/۰۰۲**
همتا	-۰/۶۳۳	۰/۹۷۱	۰/۷۹۲
زهی کوبه‌ای	۳/۴۰۰	۰/۹۷۱	۰/۰۰۲**
همتا	۲/۷۶۶	۰/۹۷۱	۰/۰۱۵**
همتا کوبه‌ای	۰/۶۳۳	۰/۹۷۱	۰/۶۳۳
زهی	-۲/۷۶۶	۰/۹۷۱	-۲/۷۶۶

در این نظریه ذهن تفاوت معنادار وجود دارد. از آنجایی که به عقیده بارون-کوهن نظریه ذهن نسبت دادن حالات ذهنی به خود و دیگران است، نتیجه این مطالعه حاکی از آن است که نوازندگان حرفه‌ای سازهای زهی بهتر و بیشتر از افراد در دو گروه دیگر، قادر به شناخت هیجانات، درک باورها و امیال و پیش‌بینی و تبیین رفتارهای دیگران هستند. این پژوهش با پژوهش لانگندوفر (۲۰۰۸، ۶۱۸) که بیان کرده بود در مقابل سایر نوازندگان، نوازندگان سازهای زهی در طول روز با همکاران خود ارتباط بیشتری برقرار می‌کنند تا حدودی هماهنگ است. در تبیین یافته می‌توان گفت از آنجایی که نظریه ذهن توانایی استنباط حالات ذهنی (باور، میل، قصد و...) خود و دیگران است، این توانایی در برقراری روابط اجتماعی

در این جدول، نتایج تحلیل آزمون توکی بین سه گروه مورد مطالعه ارائه شده است. نتایج جدول نشانگر آن است که بین گروه کوبه‌ای و زهی و نیز بین زهی و گروه همتا در میزان نظریه ذهن آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد و می‌توان گفت که نظریه ذهن در گروه زهی بهتر از گروه کوبه‌ای و گروه همتا است.

نتیجه‌گیری و بحث

هدف پژوهش حاضر، مقایسه نظریه ذهن بین نوازندگان حرفه‌ای سازهای کوبه‌ای، نوازندگان حرفه‌ای سازهای زهی و همتایان عادی است. نتایج پژوهش نشان داد که بین نوازندگان حرفه‌ای سازهای کوبه‌ای سنتی، نوازندگان حرفه‌ای سازهای زهی سنتی و همتایان عادی

که نوازندگان نسبت به افراد عادی شبکه توجهی کارآمدتری دارند اشاره کردند و این پژوهش را به نوعی می‌توان همسو با آن دانست. برعکس، افرادی که نظریه ذهن پایینی داشته باشند، احتمالاً در مهارت‌های اجتماعی دچار مشکل می‌شوند؛ به عبارت دیگر آن‌ها در صورت بروز مسائل اجتماعی، مهارت و توانایی لازم برای اینکه خود را در موقعیت فرد مقابل قرار دهند و از دریچه ذهن او به مسئله نگاه کنند را نداشته و در نتیجه نمی‌توانند نشانه‌های کلامی و حتی زبان بدن طرف مقابل خود را که در تعاملات اجتماعی مورد استفاده قرار می‌دهد، به درستی تفسیر و یا حتی درک کنند. از سوی دیگر این عدم درک دیدگاه‌گیری و درک رفتار و موقعیت فرد مقابل باعث می‌شود افرادی که نظریه ذهن پایینی دارند، در پاسخ‌های کلامی و فیزیکی خود به افرادی که با آن‌ها تعامل دارند، دچار نقصان شوند و همین امر می‌تواند موجب عدم موفقیت در تعاملات و در نتیجه منجر به کاهش روابط اجتماعی در این افراد شود. از آنجایی که روابط اجتماعی نوازندگان سازهای زهی بیشتر از سایر نوازندگان است، لذا می‌توان گفت که روابط اجتماعی بیشتر مستلزم بیشتر بودن نظریه ذهن آن‌ها است. این بدان معناست که آن‌ها بیشتر می‌توانند دنیا را از دریچه‌ی چشم دیگران ببینند و توانایی همدلی بیشتری داشته باشند.

درنهایت، با توجه به این که این پژوهش بر روی نوازندگان حرفه‌ای سازهای سنتی

یک عنصر ضروری است و زیربنای تفسیر فعالیت‌های اجتماعی انسان است؛ تا آنجایی که برخی از محققان بیان کرده‌اند که تحول درک اجتماعی کودکان نتیجه‌ی تحول ذهن است و این تحول در بزرگسالی باعث می‌شود تا بزرگسالان به درک «روانشناسی میل - باور» برسند و بتوانند افکار دیگران را باور کرده و آرزوها و مقاصد ایشان را درک کنند. این درک می‌تواند در قالب رفتارهای مختلف از جمله همدلی باشد. از آنجا که در شکلی از تقسیم‌بندی، نظریه ذهن را به دو نوع گرم (عاطفی) و سرد (شناختی) تقسیم کرده‌اند، می‌توان گفت نوازندگان سازهای زهی می‌توانند خود را در موقعیت افراد دیگر تصور کنند که به واسطه آن عواطف و حالت‌های ذهنی، دربرگیرنده دامنه وسیعی از قصدها، امیدواری‌ها، ترس‌ها، انتظارات، امیال، تصورها و ... (مشهدی، ۱۳۸۲: ۷۱)، در آن افراد را نزدیک به ایشان تجربه کنند که همین امر به نوبه خود می‌تواند باعث همدلی بیشتر این دسته از نوازندگان و در نتیجه برقراری ارتباطی مناسب‌تر و کارآمدتر نسبت به سایرین شود. درواقع این دسته از نوازندگان احتمالاً نشانه‌های کلامی و رفتاری دیگران را زودتر از سایرین درک کرده و به نحو بهتری قادر به تعامل و حل مسائل اجتماعی هستند. درواقع این درک، حاصل از توجه بهتر به دیگران و محیط پیرامون است؛ همان‌طوری که مدینا و بارازا^۱ (۲۰۱۹، ۱) در پژوهش خود به این نکته

حسن بافنده قراملکی و همکاران: مقایسه نظریه ذهن در نوازندگان حرفه‌ای سازهای کوبه‌ای سنتی، زهی سنتی و همتایان عادی

سپاسگزاری

با تشکر از خانم مهسا رزم‌گر و خانم آزاده رضازاده و اساتید آموزشگاه‌های موسیقی شهر مشهد که ما را در انجام این پژوهش یاری نمودند.

ایرانی انجام گرفته، از تعمیم نتایج آن بر روی سایر نوازندگان احتیاط شود.

همچنین پیشنهاد می‌گردد سایر پژوهشگران نوازندگان حرفه‌ای سازهای کوبه‌ای و زهی غربی چنین تحقیقی را انجام دهند و نتایج آن را با این پژوهش مقایسه کنند.

منابع

موسیقی ایرانی». جستارهایی در باب فرهنگ و هنر، (۳-۴): ۱۶۸-۱۸۳.

فتاح، ف (۱۳۸۸). «بررسی سنخ‌های شخصیتی در نوازندگان موسیقی». ارائه شده در چهارمین دوره سمپوزیوم نروسایکولوژی ایران. تهران.

کیهانی، م؛ شریعت پناهی، م (۱۳۸۷). «بررسی تأثیر موسیقی بر عملکرد تمرکز و توجه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی آزاد تهران». مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی. ۱۸(۲): ۱۰۶-۱۰۱.

مدنی فرد، م؛ مظاهری، م؛ جنت پور، ن (۱۳۹۷). «ارزیابی کارکردهای عصب‌شناختی اجرایی در افراد نوازنده و غیر نوازنده». فصلنامه علوم اعصاب شفای خاتم. ۶(۲): ۶۰-۶۸.

مشهدی، ع (۱۳۸۲). «نظریه ذهن: رویکردی جدید به روانشناسی تحولی». فصلنامه تازه‌های

ایران‌پناه، م (۱۳۹۵). نقش ادراک حالات هیجانی چهره و زبان در پیش‌بینی نظریه‌ی ذهن. پایان‌نامه. دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، ایران.

حسن‌زاده، ر (۱۳۹۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران، نشر ساوالان.

خالقی، ر.ا (۱۳۹۴). نظری بر موسیقی، تهران، نشر محور.

خانجانی، ز؛ هداوندخانی، ف (۱۳۸۸). «نظریه ذهن: تحول و رویکردها». فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز. ۴(۱۶): ۸۹-۱۱۹.

خدابخشی، م؛ نوری فرد، م (۱۳۹۲). «مقایسه ویژگی‌های شخصیت، منبع کنترل و خلاقیت نوازندگان موسیقی سنتی، موسیقی پاپ و افراد غیر نوازنده». ارائه شده در دومین کنگره ملی روانشناسی اجتماعی ایران. تهران.

زاهدی، ت (۱۳۸۲). «موسیقی غربی،

- Baron-Cohen, S. (2001). "Theory of mind in normal development and autism", 34: 174-83.
- Coffey, E.B., Mogilever, N.B. & Zatorre, R.J. (2017). "Speech-in-noise perception in musicians: A review". *Hearing Research*, 352, 49-69. <https://doi.org/10.1016/j.heares.2017.02.006>
- Etel, E. & Slaughter, V. (2019). "Theory of mind and peer cooperation in two play contexts". *Journal of Applied Developmental Psychology*, 60, 87-95. <https://doi.org/10.1016/j.appdev.2018.11.004>
- Haager, D. & Vaughn, S. (1995). "Parent, teacher, peer and self-reports of the social competence of students with learning disabilities". *Journal of Learning Disabilities*, 16(5), 266-271. <https://doi.org/10.1177/002221949502800403>
- Krumhansl, C. (2000). "Rhythm and pitch in music cognition". *Psychological Bulletin*, 126, 159-179. <https://doi.org/10.1037/0033-2909.126.1.159>
- Landay, K. & Harms, P.D. (2018). "Whistle while you work? A review of the effects of music in the workplace". *Human Resource Management Review*. <https://doi.org/10.1016/j.hrmr.2018.06.003>.
- Langendörfer, F. (2008). "Personality differences among orchestra instrumental groups: Just a stereotype"? *Personality and Individual Differences*, 44(3), 610-620. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2007.09.027>.
- Medina, D. & Barraza, P. (2019). "Efficiency of attentional networks in musicians and non-musicians". *Heliyon*, 5(3), e01315. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2019.e01315>
- Mikutta, C.A., Maissen, G., Altorfer, A., Strik, W. & König, T. (2014). "Professional musicians listen differently to music". *Neuroscience*, 268, 102-111. <https://doi.org/10.1016/j.neuroscience.2014.03.007>
- Trängeberg, Ö.S.O. & Stomberg, M. W. (2013). "Listening to music during regional anesthesia: patients' experiences and the effect on mood". *Journal of PeriAnesthesia Nursing*, 28(5), 291-297. <https://doi.org/10.1016/j.jopan.2013.01.008>
- Uğraş, G.A., Yıldırım, G., Yüksel, S., Öztürkçü, Y., Kuzdere, M. & Öztekin, S.D. (2018). "The effect of different types of music on patients' preoperative anxiety: A randomized controlled trial". *Complementary therapies in clinical practice*, 31, 158-163. <https://doi.org/10.1016/j.ctcp.2018.02.012>
- Wang, Y.G., Wang, Y.Q., Chen, S. L., Zhu, C.Y. & Wang, K. (2008). "Theory of mind disability in major depression with or without psychotic

symptoms: a componential view”.
Psychiatry research, 161(2), 153-161.
<https://doi.org/10.1016/j.psychres.2007.07.018>

- Yi, F. & Kang, J. (2019). “Effect of background and foreground music on

satisfaction, behavior, and emotional responses in public spaces of shopping malls”. *Applied Acoustics*, 145,408-419.

<https://doi.org/10.1016/j.apacoust.2018.10.029>

